



خیام‌پژوهی در روسیه

جان‌اله کریمی مطهر^۱
زینب صادقی سهل‌آباد،^۲

چکیده:

حکیم عمر خیام یکی از مشهورترین شاعران ایران است که اشعار او نه فقط در ایران، بلکه در تمام جهان از شهرت بسیار زیادی برخوردار است. رباعیات خیام بارها به تمامی زبانهای زنده دنیا از جمله زبان روسی ترجمه شده و بارها تجدید چاپ گردیده است. این پژوهش با هدف آشنایی محققان ایرانی از کمیت و کیفیت حوزه خیام‌پژوهی در روسیه صورت پذیرفته و به ترجمه‌های انجام شده از رباعیات خیام و دیدگاههای مهم منتقدان روسی درباره اشعار این شاعر بزرگ پرداخته است. شایان ذکر است که خوانندگان ایرانی تا کنون فقط با نظریه «رباعیات سرگردان» ژوکوفسکی که در اکثر کتابها به آن اشاره شده است و نیز تا حدی با دیدگاه یوگنی برتلس شرق‌شناس روس، آشنایی دارند که در اینجا سعی شده است آنها را با دیدگاه سایر منتقدان و پژوهشگران روس درباره شخصیت و رباعیات خیام نیز آشنا سازیم.

کلمات کلیدی: خیام، رباعیات، روسیه، روسی، فارسی، ترجمه.

^۱ . استاد گروه زبان روسی دانشگاه تهران jkarimi@ut.ac.ir

^۲ استادیار گروه زبان روسی دانشکده ادبیات دانشگاه الزهراء (س) z.sadeghi@alzahra.ac.ir



مقدمه

جامع بودن نبوغ و استعداد حکیم عمر خیام و آثار بی‌نظیرش، سهم بسزایی در گسترش ادبیات و تمدن جهانی داشته است. شاعران و نویسندگان بزرگ روسی که از شهرت جهانی برخوردار هستند، در آثار گرانبهای خود بارها به گرایش و علاقه خود به شرق؛ به عنوان مهد تمدن بشریت و زادگاه شاعران و اندیشمندان بزرگ اشاره کرده‌اند. آثار خیام به عنوان اعجوبه شرق، بخش وسیعی از فرهنگ و علم جهانی را در خود انعکاس داده است و به همین دلیل حکیم عمر خیام در میان شاعران مشهور شرق، اولین جایگاه را به خود اختصاص داده است. به جرأت می‌توان گفت که هیچ شاعری همچون خیام مقبول اروپاییان، از جمله روس‌ها نیست. در حال حاضر بی‌تردید، حکیم عمر خیام مشهورترین شاعر ایرانی در سراسر دنیاست. نامی که حتی بر نام و آوازه دیگر شاعران بزرگی چون حافظ و سعدی سایه افکنده است. در سال ۱۹۴۰ شرق‌شناس مشهور روس سیمیوناف^۱ تأکید می‌کند که در آمریکا تمام آثار شاعران دیگر دنیا، همگی با هم، تنها در مقایسه با خیام در نسخه‌های کمتری منتشر شده‌اند. (مالکاوچ ۲۰۰۹، ۶). اشعار او بارها به زبان‌های روسی و تمام زبان‌های اروپایی و شرقی ترجمه شده است. اولین ترجمه‌های روسی رباعیات خیام در اواخر قرن ۱۹ انجام شد. از آن زمان ترجمه‌های آن به بیش از ۸۰ نسخه رسیده است. منظومه فیتز جرال (رباعیات خیام) اولین بار در سال ۱۹۱۴ به زبان روسی ترجمه شد. هم او بود که اولین بار خیام را به اروپائیان معرفی نمود.

این نوشتار با هدف آشنایی و آگاهی محققان ایرانی با حوزه خیام پژوهی در روسیه نگاشته شده است، البته خوانندگان ایرانی پیش از این با نظریه «رباعیات سرگردان» ژوکوفسکی که در بسیاری از کتاب‌ها به آن اشاره شده است، و همچنین اندکی با دیدگاه برتلس شرق‌شناس روس نیز آشنایی داشته‌اند (می‌توان به کتاب‌های ارزشمندی چون رمی با خیام نوشته علی دشتی، جهان‌بینی حکیم عمر خیام نیشابوری نوشته احمد شه‌وری، رباعیات خیام در منابع کهن نوشته سید علی میرافضلی و... اشاره کرد).



بحث و بررسی

رباعیات خیام تأثیر شگرفی بر ادبیات سراسر دنیا برجای گذاشته است. بسیاری از شاعران در اشعار خود از او الهام گرفته‌اند. تعداد ترجمه‌های رباعیات وی به زبان‌های مختلف، به نثر و نظم، از حد فزون است و برشمردن آنها دشوار است. رباعیات او هنوز که تا هنوز است بسیار بحث برانگیز هستند و همه‌ساله ترجمه‌های جدیدی از اشعارش منتشر می‌گردد. با وجود این هنوز شناخت چندان درستی از خیام در اروپا و روسیه به دست نیامده است. بسیاری وی را شاعری می‌خواند و بی‌بند و بار تلقی کرده‌اند، برخی او را صوفی برشمرده‌اند و برخی او را پیری زندیق خوانده‌اند. هرچند به مدد تحقیقات جدی و جدید در زمینه آثار او نگرش مناسب‌تر و بهتری نسبت به این شاعر بزرگ ایجاد گردیده است، اما همچنان پاسخگوی خلاء موجود نیست. اما چرا شاعران سراسر دنیا و از جمله روسیه، این چنین شیفته رباعیات خیام شده‌اند و از آثار وی استقبال نموده‌اند؟

هرچند ادبیات کشور روسیه در سراسر جهان شناخته شده است و نام نویسندگان بزرگی در آسمان ادب این سرزمین می‌درخشد، اما شعر در ادبیات فارسی نقش سازنده‌تر و شناخته شده‌تری دارد. شعر مهم‌ترین بخش ادبیات فارسی است و ادبیات فارسی در نظم چنان پیش رفته است که بسیاری از شاعران و اندیشمندان بزرگ روسیه از نظم و ادب ایران الهام پذیرفته‌اند. ایران از دیرباز گاهواره تمدن‌های آریایی و اسلاوی بوده و مردم روسیه پس از تحمل جنگ‌های متعدد و گذراندن لحظات سخت در سرزمین خود، در پی رهایی از قوانین و سنن پیشین، در پی کامجویی از لحظات خوش زندگی برآمده و به رباعیات خیام روی آوردند. چنان‌که حتی ولادیمیر پوتین رئیس جمهور روسیه اذعان می‌دارد که در اوقات فراغت به خواندن رباعیات خیام روی می‌آورد (ایکراموف، ۲۰۰۸: ۴). رباعیات خیام درباره زندگی، جبر انسان در مقابل تقدیر و سرنوشت، گذرا بودن زندگی و لحظات شادی و لذت... دستاوردهای معنوی مشترکی هستند که هر ذهن جویایی را به خود مشغول می‌دارد. «براگینسکی معتقد است که تصور اوج شعر جهان، بدون شعر خیام، غیرممکن است» (یحیی‌پور و دیگران، ۱۳۹۹: ۳۹۹).

شخصیت عمرخیام موضوع بحث‌های جدی شده است، بعضی محققین او را فیلسوفی دهری، بعضی او را شکاک و گروهی او را فقط یک صوفی نامیده‌اند.

توصیفی که کریمسکی نقل کرده، بی‌گمان تا به امروز به اعتبار خود باقی است: «رباعی‌هایش از نظر صورت بی‌مانند است، دارای اندیشه‌های ژرف، گاه فلسفی، گاه



لذت‌باورانه و سپس باز غم‌انگیز و بدبینانه است که فیلسوفی شک‌آور و عرفان‌اندیش است غرقه در رازهای سرنوشت» (یان ریپکا، ۱۳۸۳: ۳۵۶).

ای. اومف، خاورشناس روس با تحلیل وقایع تاریخی روزگار خیام و تأثیر روند رو به رشد نظریه‌های صوفیانه و عرفانی خیام، جهان‌بینی متجلی در شعر او را چنین داوری می‌کند: «...رباعیاتش که شکلی بی‌همتا دارند، حاوی اندیشه‌های ژرفی هستند که گاه فلسفی‌اند و گاه کامجویی، بدبینی و تاریکی را به خواننده القاء می‌کنند... این شکاک و عارف-فیلسوف در ژرفای رازهای تقدیر کندوکاو می‌کند، ریشه غم و اندوه روی زمین را نزد خداوند می‌جوید و سرانجام در پژوهش بی‌بار می‌ماند. او انسانی است که گذشته خود را رد می‌کند و به آینده‌اش اعتماد ندارد، از این رو خود را تنها در زمان زودگذر حال سرگرم می‌کند و فقط با هجوهای نیش‌دار به معاصران سالوس و ریاکارش قهر نشان می‌دهد. خیام در زمانی می‌زیست و شعر می‌آفرید که نظریه‌های عرفانی-صوفیانه در روند خود زندگی پدید آمده بودند. در این دوره هرچیزی زودگذر و ناپایدار پنداشته می‌شد، فرمانروایی‌ها یکی پس از دیگری از هم می‌پاشیدند، اندیشمندان و بزرگان ناگهان قربانی آدم‌کشانی بی‌نام و نشان می‌شدند، اعتقادهای کهنه جای خود را به باورهای نو می‌دادند، عشیره‌های ددمنش کوچ نشین، از سرزمین‌های ناشناخته به مرکزهای تمدن هجوم می‌بردند و فرهنگ کهن ایرانی را به آتش می‌کشیدند...» (همان: ۲۹۸).

شرق‌شناس مشهور روسی والتین ژوکوفسکی نیز در سال ۱۸۹۷ در اثر خود به نام «عمر خیام و رباعیات سرگردان» مجموعه‌ای از ویژگی‌های مختلف شخصیت و اشعار حکیم عمر خیام را یاد نموده است که تا آن زمان در نوع خود بی‌نظیر بود و می‌توان آن را اولین کار جدی در زمینه زندگی و آثار خیام قلمداد کرد. در این اثر ژوکوفسکی خیام را شاعری آزاداندیش و دانشمند خوانده است.

پلیستسکی^۱ مترجم رباعیات خیام درباره وی چنین می‌نویسد: «در نزد بسیاری، سیمای او پیرمردی شاد با قدحی دائمی در دست است که حقیقت را به زبان می‌آورد... با خداوند به



گفتگو می‌نشینند، با اندیشه‌ای نقرس، خیالات واهی غریب، دانشمندی که در شعر به یک فرمول دقیق دست یافته به کلمات قصار [رباعی]^۱» (زیارا، ۲۰۱۰: ۲۸). متأسفانه بسیاری از خوانندگان غربی، عمر خیام را به عنوان شاعری بت‌پرست می‌شناسند که فقط به شراب و لذات مادی گرایش دارد. «این سوءتفاهم در ارتباط با جایگاه صوفیه است. این در حالی است که شراب در نزد خیام به معنای «سرمست شدن از حقیقت» است» (همان).

شاخوردوا در ترجمه‌ای که در سال ۱۹۹۳ در پترزبورگ از رباعیات خیام به چاپ رساند، درباره کاربرد شراب در اشعار خیام، چنین می‌نویسد: «سیمای شراب در اغلب رباعیات خیام باید به صورت گسترده و به عنوان مظهر و سمبل تمام دلخوشی‌های معیشتی قابل دسترس پذیرفته شود» (بوربا، ۲۰۰۳: ۲). بنابراین می‌توان اظهار نمود که روس‌زبانان نیز به استفاده مجاز از شراب در شعر پی برده‌اند.

گالوبف^۲ مترجم نسخه کامل رباعیات خیام، کاربرد کلمه شراب در اشعار خیام را نمادین قلمداد می‌کند و می‌نویسد: «خیام در اشعارش فرمول‌های فلسفی را به سیمای هنری تبدیل می‌کند، او آنها را به رمزنامه‌ای مبدل کرده و با زبانی قراردادی و نمادین آن را به کار برده است که نیاز به رمزگشایی دارد» (همان: ۴).

طبق پژوهش‌های دو دهه اخیر، کاربرد نمادین کلمه شراب در رباعیات خیام و استفاده مجاز از آن، برای روس‌زبانان تا حدی مشخص گردیده است، چنانکه دیمیتری بوربا^۳ شراب را این‌گونه تفسیر می‌کند: «در ارتباط با جسم، روح به منزله شراب است، ولیکن روح خود جامی است برای حضور خداوند» (همان: ۶).

شاعران و منتقدان روسی نیز به شباهت رباعیات خیام با مکتب صوفیه اعتقاد دارند و در برخی اشعار شاعران روس نیز سمبل‌ها و نمادهای اشعار کلاسیک فارسی مانند جام، قدح، می، سرو و... به کار رفته است. بارزترین نمونه کاربرد این نمادهای ادبیات کلاسیک فارسی در اشعار روسی، شعر «درویش مست» نیکالای گومیلیوف^۴ است:

عندلیبان بر سرو، ماه بر فراز بحر،

لعل سپید، لعل سیاه، من می فراوان نوشیده‌ام.

^۲. ترجمه کلیه نقل قولهایی که از روی منابع روسی ذکر گردیده‌اند، از مؤلف مقاله است.



قدح به دست کنون می سزاید رساتر ز دل:
«جهان پرتوی است از رخ دوست، باقی همه سایه اوست!»

ساقی، من مست می عشقم از روز ازل
نه امروز، نه دیروز.
من به خود می روم و سرخوش لاف زنم آنچه دانستم:
«جهان پرتوی است از رخ دوست، باقی همه سایه اوست!»

تا ابد گشت فراموشم آنچه آموختم
کنون من رند و آواره و خرابات نشین
از بهر یکی لبخند گل و این ترانه:
«جهان پرتوی است از رخ دوست، باقی همه سایه اوست!»

به گورستان روم بر مزار دوستان خویش،
آیا شود پرسم از عشق مردگان را؟
از گور یکی جمجمه فریاد زند راز تابوت خویش:
«جهان پرتوی است از رخ دوست، باقی همه سایه اوست!»

به زیر ماه در بحر مه آلود، آب گشت پیچ در پیچ
بر فراز سروها عندلیبان سر فرو بردند در لاک خویش،
تنها یکی خواند این ترانه، جز این نگفت هیچ:

«جهان پرتوی است از رخ دوست، باقی همه سایه اوست!» (یحیی پور و دیگران ۱۳۹۱، ۳-۹۲)

شایان توجه است که در روسیه تا مدت ها خیام شاعر و خیام دانشمند دو فرد متفاوت تصور می شده است. در دایرةالمعارف روسی بروککااوس و افرون، در جلد ۲۴، مقاله ای با عنوان «عمر الخیام دانشمند» و در جلد ۷۳ همین دانشنامه، مقاله ای با عنوان «خیام یا عمر خیام شاعر»، چاپ شده است.





شاید یکی از علت‌های آن این باشد که خیام تمام رساله‌های علمی خود را به زبان عربی نوشته، در حالی که رباعیات خود را به زبان فارسی سروده است، بنابراین یکی ایرانی و دیگری عرب فرض شده است. البته قابل ذکر است که در قرن ۱۱-۱۰ تعداد افرادی که در کنار رساله‌های علمی، به امر شعر و شاعری نیز می‌پرداختند، کم نبودند که از آن جمله می‌توان به حکیم ابوعلی سینا و شیخ نصیرالدین توسی اشاره کرد.

«تلاشی که برای سانسور اشعار خیام و فراموشی نام او صورت گرفت، باعث شد تا تنها یک نسخه از رساله‌های او تهیه گردد. به‌همین دلیل وقتی اروپائیان در قرن ۱۶ با فرهنگ ایرانی آشنا شدند، با نام خیام برخورد نکردند. گویا نام خیام در ایران و آسیای میانه به فراموشی سپرده شده بود. رساله‌های متعدد او که بیانگر مطالب گسترده و نوینی در علم جبر و تئوری خطوط موازی و اعداد بودند نیز فراموش شدند... تنها معدودی از آنها بسیار دیرتر، در قرن ۱۲، مجدداً توسط دکارت و دیگر دانشمندان مطرح گردیدند. برخی از نتایج تحقیقات او در اروپا تنها در سال ۱۷۴۲ مطرح شدند.» (براگینسکی، ۱۹۶۶: ۱۵۲).

در حال حاضر نام خیام شاعر در تمام جهان شناخته شده است. توماس هاید^۱ در کتاب «تاریخ ادیان ایرانیان باستان»^۲ که در سال ۱۷۰۰ چاپ شده است، به نام خیام به عنوان شاعر اشاره کرده است. خیام ریاضیدان در سال ۱۷۴۲ مشهور گردید، زمانی که میرمان^۳ در مقدمه کتاب خود به رساله جبر خیام اشاره نمود.

تاریخ تولد و وفات خیام در منابع مختلف روسی یکسان نیست. در چاپ دوم دانشنامه بزرگ شوروی، تاریخ تولد خیام ۱۰۴۰ و وفات او ۱۱۲۳ یاد شده است، در چاپ اول تنها به سال وفات شاعر در سال ۱۱۲۳ اشاره شده بود. در بسیاری منابع دیگر نیز، این دو تاریخ ذکر گردیده است. اما روزنفلد^۴ و یوشکویچ^۵، محققان روسی آثار خیام که تمام رساله‌های علمی خیام را از فارسی و عربی به زبان روسی ترجمه کرده‌اند، به روشنی سال تولد و وفات شاعر را به استناد طرب‌نامه محاسبه کرده‌اند و بهترین و کاملترین زندگی‌نامه خیام را ارائه داده‌اند. سال تولد خیام ۴۳۹ ق و سال وفات وی ۵۲۶ ق بود، بنابراین ۸۳ سال زندگی کرد (روزنفلد، یوشکویچ ۱۹۶۵، ۱۰-۹).

Томас Хайд^۱
«История религии древних персов»^۲
Меерман^۳
Розенфельд^۴
Юшкевич^۵



در کتاب «نظریهٔ خيام دربارهٔ خطوط موازی» نوشتهٔ روزنفلد و یوشکویچ به خوبی چگونگی روند تأثیرگذاری خيام بر دانشمندان ایرانی و اروپایی بررسی شده است (حسن لی، حسام پور ۱۳۸۸، ۱۰۸). خيام فرزند زمانهٔ خویش بود و از کاوش‌های خردگرایانه سرباز نمی‌زد، او به جایگاهی رسید که تا آن زمان کمتر کسی به آن دست یافته بود. وقتی سخن از رباعی به میان می‌آید، اروپائیان هیچ‌کس دیگری غیر از خيام را به‌خاطر نمی‌آورند، در واقع او در این امر یکتا است: «هر رباعی خيام مانند منظومهٔ کوچکی است. خيام فرم و قوانین رباعی را تثبیت کرد و در این زمینه برای او همتایی نیست» (واروژیکینا، ۱۹۷۷: ۱۵۲).

افسانه‌ها حاکی از آن است که نسخهٔ خطی رباعیات خيام در میان وسایل یک سرباز در زمان جنگ جهانی اول پیدا شده است (زیارا، ۲۰۱۰: ۲۸). بدین‌ترتیب چاپ ترجمه‌های رباعیات خيام از سال ۱۸۶۰ آغاز شد و بر فرهنگ و زندگی اجتماعی تمام اروپائیان و جهانیان تأثیر گذاشت. مسئلهٔ اصالت رباعی‌های خيام هنوز نیز مطرح است، زیرا حتی گاهی در قدیمی‌ترین رباعی‌های مورد تأیید هم موضوعات ناسازگار با یکدیگر یافت می‌شود. گذشته از آن، چنان که ژوکوفسکی نیز گفته است، همین رباعی‌ها در جاهای دیگر هم به نام دیگر شاعران ثبت شده است. در پی تلاش‌ها و کاوش‌های بسیار برای یافتن رباعی‌های اصیل، نتایج چشمگیری حاصل شده است که حتی تا به امروز نیز بر اعتبار خود باقی است. خيام بیش از هزار رباعی سروده است. بسیاری از رباعی‌ها به شکل‌های مختلف حفظ شده‌اند که این نشان می‌دهد در هر صورت در بار اول یادداشت نشده‌اند، بلکه از زبانی به زبان دیگر انتقال یافته‌اند (روزنفلد، یوشکویچ، ۱۹۶۵: ۱۴۴).

«دهها سال زبان‌شناسان بزرگ روسی مانند ژوکوفسکی و دانشمند بزرگ دانمارکی به نام کریستن‌سن و بسیاری دیگر کمر همت بستند و به نمونه‌های مختلف علمی مراجعه کردند تا نویسنده «رباعیات سرگردان» را که گاه به خيام و گاه به دیگر شاعران مشهور یا شاعری همنام با خيام نسبت می‌دادند، پیدا کنند، اما در نهایت، راه حلی قطعی و بدون ابهام پیدا نکردند و نمی‌توان هم پیدا کرد. عباس اقبال دانشمند ایرانی و آربرری شرق‌شناس انگلیسی اعلام نمودند که قدیمی‌ترین نسخهٔ رباعیات خيام را که به کمتر از صدسال پس از خيام نگاشته شده و به تاریخ ۱۲۰۷ است، مشاهده کرده‌اند و به همین دلیل به اندازهٔ کافی موثق



می‌باشد. دانشمندان جوان شوروی برای چاپ کپی این نسخه با هدف تأمین منبع لازم برای ترجمه آن، شتاب به خرج دادند، اما متأسفانه مشخص گردید که این نسخه به زمان جدیدتری تعلق دارد و حتی شاید متعلق به زمان خود ما باشد! (براگینسکی، ۱۹۶۶: ۱۴۸).

اما دانشمندان روسی که در این زمینه تحقیق کرده‌اند نیز قابل توجه هستند. شرق‌شناس روس یوگننی برتلس در مقدمه رباعیات خیام نوشته است: «خواننده دقیق قطعاً متوجه می‌شود که بین رباعیات خیام تعداد قابل توجهی دارای یک موضوع هستند. ما آن دسته از رباعیات را که خیلی از لحاظ محتوا به یکدیگر نزدیک هستند و فقط در جزئیات کوچک متفاوتند، پیدا کرده‌ایم. به نظر می‌رسد که یک فرضیه می‌تواند به راحتی این ویژگی رباعیات خیام را توضیح دهد. واضح است که همه فعالیت‌های خیام با چه وضع سختی روبه‌رو بود، وقتی که حتی مورخین بی‌نظر، اشعار او را "ماران زهرآگین و گزنده شریعت" می‌نامند. بنابراین خیام نمی‌توانست به فکر جمع‌آوری و انتشار رباعیات خود باشد. ممکن است که وی آنها را در تکه ورق کاغذی یادداشت می‌نمود و وقتی جمع کوچکی از دانشمندان و هم‌اندیشان نزد او گرد می‌آمدند، خیام به هنگام صحبت و می‌گساری، آخرین سروده‌های خود را برایشان می‌خواند. اکنون تصور کنیم که پنج نفر از دوستان خیام هنگام بازگشت به خانه رباعیاتی را که از وی شنیده بودند، هریک با اندکی دور شدن از اصل و با تغییر کلماتی یادداشت می‌کردند. بدین شکل دست کم شش نسخه بدل از هر رباعی بدست می‌آمد و بعدها هنگام جمع‌آوری، هریک از آنها را به جای رباعی جداگانه‌ای به‌شمار آورده‌اند و تعداد گزینه‌ها در هنگام بازنویسی افزایش یافته است» (سلطانوف، ۲۰۰۷: ۱۵).

روزن شرق‌شناس آلمانی ۲۳ رباعی و کریستن‌سن دانشمند دانمارکی ۱۲۱ و تیرتخا دانشمند هندی ۷۰۴ رباعی و ژوکوفسکی تنها ۶ رباعی را اصیل پنداشته‌اند. بیش از صد سال است که رباعیات خیام به زبان روسی ترجمه شده است. از سال ۱۸۹۱ تا ۲۰۰۸ هشتاد ترجمه در روسیه از رباعیات خیام صورت گرفته است که در اینجا به برخی از ترجمه‌های مهم و قابل ذکر آن اشاره خواهیم کرد:

اولین بار در سال ۱۸۹۱ در مجله «پیک اروپا»^۱ ۱۶ رباعی حکیم عمر خیام با عنوان «از عمر خیام، از زبان فارسی» به چاپ رسید. مترجم این رباعیات، ویلیچکا^۲ بود که بعدها نتیجه تجربیات خود را در زمینه ترجمه رباعیات خیام، در مجموعه کوچکی به چاپ رساند. اولین

^۱ «Вестник Европы»
^۲ Величко



کسی که در شناساندن خیام به روس‌ها کوشید و او را در میان روس زبانان مشهور ساخت، ویلیچکا بود. او بعدها ۵۲ رباعی را ترجمه نمود، اما چندان به اصل شعر وفادار نبود. ترجمه‌های وی از لحاظ حجم با اصل آن منطبق نبود. معمولاً ترجمه رباعی‌ها بیش از ۸ مصرع بودند و گاه حتی به ۱۶ مصرع هم می‌رسیدند. «ویلیچکا دو شعر با عنوان «از عمر خیام» دارد. شعر اول از ۱۹ قسمت تشکیل شده است که با شماره از یکدیگر تفکیک شده‌اند و شاعر در هر کدام از آنها به بن‌مایه‌های مشابه رباعیات حکیم عمر خیام می‌پردازد که مهم‌ترین آنها زودگذر بودن عمر و گذران آن و دل نبستن به مادیات است. البته اشعار او از لحاظ قالب شعری رباعی نیستند» (صادقی سهل‌آباد، ۱۳۹۸: ۲۴۱).

سه سال بعد یعنی در سال ۱۸۹۴ پارفروف^۱ در مجله «پیک شمال»^۲ دو رباعی دیگر از خیام را ترجمه نمود. امتیاز این دو ترجمه آن بود که دقیقاً با متن اصلی تطابق داشتند. در سال ۱۹۰۱ مازورین^۳ شاعر و منتقد روس با نام مستعار گرا^۴ کتابچه‌ای را به چاپ می‌رساند. مترجم در مقدمه کتاب می‌نویسد که ترجمه اشعار نسخه دست‌نویس یک شاعر ایرانی اهل خراسان مربوط به قرن دهم را در اختیار خواننده گذاشته است که به هنگام سفر به شرق به‌طور اتفاقی به آن دست یافته است، اما نام شاعر را ذکر نمی‌نماید، با این وجود این کتاب خوانندگان زیادی پیدا می‌کند.

در سال ۱۹۱۰ بالمونت^۵ شاعر مشهور روس که گرایش زیادی به مشرق‌زمین داشت، یازده رباعی از خیام را ترجمه می‌کند. اهمیت این ترجمه آن بود که برای اولین بار رباعیات خیام در همان قالب رباعی ترجمه شده بودند. این ترجمه‌ها در مجله «اندیشه روسی»^۶ به چاپ رسیدند.

Парфров^۱
«Северник вестник»^۲
Мазурин^۳
Гера^۴
Бальмонт^۵
«русская мысль»^۶





در سال ۱۹۱۶ کتابی با عنوان «غزل‌های فارسی قرن ۱۰ تا ۱۵»^۱ توسط کرش^۲ به چاپ می‌رسد. او در این کتاب هشت شاعر ایرانی را به روس‌ها معرفی می‌نماید که ۱۹ شعر از خیام نیز در این کتاب ترجمه شده است.

تیخارژفسکی^۳ شاعر روس دیگری بود که نقش مهمی در شناساندن خیام به روس‌ها داشت. او یک مجموعه از رباعیات خیام را در پاریس به چاپ رساند که پیش از آن نیز در مجله «یادداشت‌های معاصر»^۴ به چاپ رسانده بود. او سعی کرده بود تا رباعیات را در همان قالب رباعی ترجمه نماید و به همین دلیل در بسیاری از موارد از مفهوم و اندیشه اصلی شعر دور شده بود.

نیکورا^۵ شاعر روس دیگری بود که زبان فارسی می‌دانست. او بر روی نسخه قدیمی دست‌نویسی که مربوط به سال ۱۶۶۰ می‌شد و در کتابخانه آکسفورد نگهداری می‌شد، کار کرد و ۱۴۴۴ بیت را ترجمه نمود. ترجمه وی از دقت بالایی برخوردار است و تا به امروز مورد استفاده محققین قرار دارد.

رومر^۶ بیشترین تعداد رباعی را ترجمه نموده است. وزن ترجمه او که از لحاظ تعداد هجاها با رباعی برابر است، یکی از موفق‌ترین ترجمه‌های رباعیات بوده است که تا سال‌ها مورد استفاده قرار می‌گرفته است.

درژاوین^۷ شاعر مشهور روس نیز در سال ۱۹۶۵ بزرگ‌ترین مجموعه ترجمه شده از رباعیات خیام را منتشر ساخت که بارها تجدید چاپ شد.

انتشارات «ناوکا/ علم»^۸ در سال ۱۹۷۲ مسابقه بهترین ترجمه از رباعیات خیام را برگزار نمود که پلیستسکی^۹ برنده آن شناخته شد (پلیستسکی علاوه بر رباعیات خیام، برخی از اشعار شاعران کلاسیک ایران مانند حافظ، سعدی و کمال‌الدین اصفهانی را نیز ترجمه نموده است). نتیجه این مسابقه به صورت کتابی که شامل ۴۵۰ رباعی بود، به طبع رسید که

^۱ «Персидские лирики X-XV»

Корш^۲

Тхоржевский^۳

«Современные записки»^۴

Некора^۵

Румер^۶

Державин^۷

Наука^۸

Плисецкий^۹



اکثر آنها پیش از آن به زبان روسی ترجمه نشده بودند. سولوتسکی^۱ در نقد ترجمه پلیستسکی می‌نویسد: «ترجمه گرمان پلیستسکی بسیار خوب است. اشعار روسی او کاملاً طبیعی، اغلب بسیار کوتاه و ضرب‌المثل‌وار هستند. زبان ترجمه پلیستسکی زبان عصر ماست، زبان نظم روسی نوین از پوشکین^۲ تا یسنین^۳ و تواردوفسکی^۴. خیام یک فیلسوف است که اندیشه او دقیق و متناقض است، بسیاری از رباعی‌ها یکدیگر را نفی کرده و ابطال می‌نمایند. اما همه رباعیات در تناقض دیالکتیکی خود بسیار هدفمند هستند. تمام اینها از پلیستسکی اختصار، وضوح و دقت می‌طلبیدند...» (پلیستسکی، ۲۰۰۸: ۲۴۷).

در نهایت باید افزود که اغلب ترجمه‌ها به صورت غیر مستقیم و از سایر زبان‌ها صورت گرفته است، اما برخی ترجمه‌ها مانند ترجمه‌های نیکورا^۵، رومر^۶ و بانو^۷ به طور مستقیم از زبان فارسی صورت پذیرفته‌اند. با این وجود هیچ‌یک از ترجمه‌های رباعیات خیام، چه آنهایی که در فوق به آنها اشاره شد و چه سایر ترجمه‌ها که برشمردن تمامی آنها در این مقال نمی‌گنجد، گویای کامل و واقعی فرم و محتوای اصلی آنها نیستند. همچنان‌که براگینسکی، منتقد و خاورشناس مشهور روس، درباره ترجمه رباعیات خیام و مشکلات آن چنین می‌نویسد: «هنگام ترجمه رباعیات خیام، آهنگ زیبایی‌شناسی او به صورت‌های مختلف به تفسیر مترجم سرایت می‌کند. نیکولا^۸ مترجم فرانسوی سده پیشین، خیام را بسان یک صوفی پذیرفته بود. به همین دلیل علاوه بر تفسیر مغرضانه اشعار او، خود ترجمه به نوعی صورت پذیرفته است که گویا آهنگ اصل آنها به گونه‌ای کاملاً صوفیانه بوده‌اند. فیتزجرالد مترجم انگلیسی خیام، همچون گوته که حافظ و دیگر شاعران کلاسیک را به دنیای ادبیات معرفی نمود، فیتزجرالد هم خیام را به جهانیان شناساند، او نیز اشعار را به کمک ترجمه تفسیر نموده است. اما به خوبی روح رباعیات خیام را درک کرده و آهنگ آنها

Слуцкий^۱Пушкин^۲Есенин^۳Твардовский^۴Некора^۵Румер^۶Бану^۷Никола^۸

را حفظ نموده است، هرچند اغلب، اشعار خود را هم به جای اشعار خیام ارائه کرده است» (براگینسکی، ۱۹۶۶: ۱۶۳). چنانکه از نقل قول براگینسکی منتقد مشهور روس برمی آید، وی نیز به صوفیانه بودن رباعیات خیام اعتقاد ندارد و آنها را از این مقوله مجزا می‌پندارد.

نتیجه‌گیری

رباعیات خیام بیش از صد سال است که بارها به زبان روسی ترجمه شده است. در این مقاله سعی شده است تا دیدگاه منتقدان و پژوهشگران روس را درباره شخصیت و رباعیات خیام مطرح سازیم. یکی از موضوعاتی که مورد توجه منتقدان روسی قرار گرفته است، علت کاربرد کلمه می در رباعیات خیام است. چنان که مشاهده شد، طبق تحقیقات دو دهه اخیر، کاربرد نمادین و مجاز می در رباعیات خیام توسط پژوهشگران روسی، روشن شده است. در شعر غالباً می به نحو مجاز و استعاره مورد استفاده قرار می‌گیرد و در زبان شعر به معنای فراق‌خاطر و خوشی و سرمست شدن از حقیقت و مانند آن است. این که بعضی خیام را صوفی خوانده‌اند نیز در دیدگاه برخی منتقدان روس تأثیر داشته و بسیاری او را از این مکتب دانسته‌اند، اما ممکن است که خیام اصول تصوف را تأیید کرده و یا در برخی عقاید با آنها اشتراک نظر داشته، ولیکن این امر دلیل بر آن نیست که او رسماً اهل تصوف بوده یا رباعیاتش صوفیانه است، چنانکه براگینسکی نیز این نظریه را مردود می‌شمارد.

در نوشتار حاضر به برخی ترجمه‌های روسی از رباعیات خیام و نقدهای موجود از آن نیز اشاره کردیم و معایب و محاسن آنها را برشمردیم، بنابراین می‌توان گفت که تحقیق ژوکوفسکی، اولین تحقیق جدی درباره زندگی و آثار خیام به زبان روسی است که حاوی نقل قول‌ها و تحقیقات تمام شرق‌شناسان پیشین می‌باشد و مسئله «رباعیات سرگردان» یعنی رباعیاتی که به خیام و دیگران نسبت می‌دادند، در آن مطرح شده است. اما اولین کسی که خیام را به روس‌ها شناساند ویلیچکا بود و پس از او بسیاری از شاعران و ادیبان به ترجمه رباعیات خیام روی آوردند که بسیاری از آنها هنوز مورد اقبال و استفاده قرار دارد. بهترین و کامل‌ترین زندگی‌نامه خیام به زبان روسی، نیز متعلق به روزنفلد و یوشکویچ می‌باشد.



منابع و مطالعات

۱. Брагинский И. (۱۹۶۶), ۱۲ миниатор, М; «Художественная литература», М.
۲. Бурба Д. (۲۰۰۳). Мой Хайям, М.: ИД «София».
۳. Ворожейкина З. (۱۹۷۷). К вопросу о «странствующих» четверостишиях. Писменные памятники и проблема. М.: ИД.
۴. Зияра Б. (۲۰۱۰). К вопросу о сложности переводов Омара Хайяма на русский язык, Веснік БДУ., Сер ۴, № ۱.
۵. Икромов Б. (۲۰۰۸). Хайям и Путин, Казан: «Дом печати».
۶. Малкович Р. Ш. (۲۰۰۹). Рубайят Омара Хайяма, Санкт-Петербург: «Русские переводы».
۷. Плисецкий Г. (۲۰۰۸). Плисецкий Д., Омар Хайям, Да пребудет со мною любовь и вино!, М.: «Хранитель».
۸. Розенфельд Б. (۱۹۶۵). Юшкевич А., Омар Хайям, М.: «Наука».
۹. Султанов Ш. (۲۰۰۷). Султанов К., Жизнь замечательных людей, Серия биографий, Омар Хайям, М: «Молодая гвардия».
۱۰. حسن لی ک., حسام پور س. (۱۳۸۸). پژوهش زبان و ادبیات فارسی، کارنامه خیام پژوهی در سده چهاردهم، پاییز شماره ۱۴.
۱۱. صادقی سهل آباد زینب، بررسی و تحلیل تطبیقی کتاب بن‌مایه‌های شرقی، پژوهشنامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، سال نوزدهم، شماره ششم، شهریور ۱۳۹۸، صص ۲۴۸-۲۲۹.
۱۲. یان رییکا (۱۳۸۳). تاریخ ادبیات ایران، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: انتشارات سخن.
۱۳. یحیی پور مرضیه، صادقی سهل آباد زینب، کریمی مطهر جان‌اله (۱۳۹۱). نیکالای گومیلیوف و مشرق زمین، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.





۱۴. یحیی پور مرضیه، کریمی مطهر جان‌اله، مالتسوا تاتیانا (۱۳۹۹). خیام و شاعران روس، پژوهشنامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، صص ۳۹۷-۴۲۴.